

بسم الله الرحمن الرحيم

عرفان و ماورای طبیعت

در پندار عامه مردمان و حتی اکثر علما، عرفان مترادف حوادث ماورای طبیعی است و لاغیر! و لذا شاهدیم که همه کسانی که تحت این عنوان شهرت یافته‌اند مشغول جن‌گیری و موکل فروشی و گنج‌گیری و دعانویسی و بازی با توهّمات مردم هستند. و این هولناک‌ترین آفتی است که عرفان حق را بدنام کرده و گوهر متعالی دین خدا را بازیچه هوس‌های شیطانی سوداگران ساخته است.

بدانید که هیچ‌کس به نیت دستیابی به امور ماورای طبیعی نه تنها عارف نشده که تبدیل به شیطانکی بیمار و رسوا شده است.

حوادث ماورای طبیعی که همان آیات و بینات الهی هستند به امر الهی به‌سرّالکافین سیر الی الله و جستجوگران حقیقت جاوید می‌آیند تا آنها را در این راه لامتناهی و حیرت‌آور یاری دهند و نشانه‌های راه و مراحل سیر و سلوک را تعلیمشان نماید. این همان تعلیم الهی است که مختص متقین و صدیقین می‌باشد. ولی متأسفانه شاهدیم که اکثر مدعیان عرفانی فاقد کمترین تقوا و عبودیت و صدق و حق‌پرستی هستند و بلکه بیشترشان در مفاصد و دنیاپرستی تباه شده‌اند و در غایت این تباهی مبتلای به اجنه و شیاطین شده و از آدمیت ساقط می‌شوند که این جن‌زدگی و شیطنیت را هم کشف و کرامات خود می‌خوانند.

همان‌طور کسانی که به نیت جاه‌طلبی و مناصب دنیوی وارد دانشگاه می‌شوند در دانشگاه همه چیز می‌یابند جز علم. و آنانکه به نیت ریاست دینی و معنوی وارد حوزه‌ها می‌شوند نیز در این حوزه‌ها همه چیز می‌یابند جز نور هدایت! و آنانکه به جز عشق دیدار با حق وارد امور عرفانی می‌شوند نیز در این راه به دام شیطان افتاده و هلاک می‌شوند.

کسی که در سودای حوادث متافیزیکی و ماجراجوئی‌های غیبی وارد معارف عرفانی می‌شود به‌سرعت به دام توهّمات شیطانی افتاده و چه بسا عقل و اراده‌اش به کلی از دست برود.

سیر و سلوک عرفانی تماماً نقب زدن در عالم غیب و ماورای طبیعت نفس خویشتن است یعنی باطن! و باطن درب ورود به عالم غیب و متافیزیک جهان است. و اینست که عوالم عرفانی این‌همه از پدیده‌های فوق طبیعی و عجایب و قرائب سخن گفته است. ولی همه این عجایب و غرائب، انسانی هستند حتی اجنه و شیاطین هم انسانی هستند همان‌طور که نهایتاً

خداوند در قلمرو رؤیت تجلیاتش، صورت انسانی دارد. و لذا در نزد عارف، جز انسان هیچ وجود ندارد و کل عالم هستی، انسان کبیر است و فرد بشری هم عالم صغیر است.

بنابراین عرفان حق هیچ ربطی به فلسفه و درویشی و جن‌گیری و شعر و خیالبافی ندارد. البته ورود به طبقه ماورای طبیعت باطن آدمی مربوط به مراحل متعالی سیر و سلوک است که از آن عارفان کامل است.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۰/۱۱/۲۳